

# آیا خروج از افغانستان



## پایان جنگ های طولانی است!

شهلا صمصامی

دلایلی که برای خروج از افغانستان ذکر می شود اینست که مشکل واقعی، پاکستان است. با کشته شدن بن لادن عملاً القاعده در افغانستان از بین رفته است. ارتش آمریکا در حقیقت با تروریست های طالبانی می جنگد. این تروریست ها که بسیاری از آنها پاکستانی اند، از این کشور وارد افغانستان می شوند. برخی از مفسرین سیاسی معتقدند آمریکا در افغانستان با پاکستان می جنگد. رئیس جمهور و دولت غیر نظامی پاکستان عملاً قدرتی ندارند. ارتش و سازمان جاسوسی پاکستان دارای قدرت واقعی است. علیرغم کمک های مالی آمریکا به پاکستان که در دهه گذشته به ۲۰ میلیارد دلار تخمین

جمهوریخواهان و دموکرات ها د و نقیض و متفاوت بوده است. تعدادی از دموکرات ها در کنگره موافق خروج فوری همه نیروی نظامی هستند. جمهوریخواهان بطور کلی اوباما را مورد انتقاد قرار داده اند. برخی می خواهند تعداد کمتری نیرو خارج شود و برخی می گویند باید به جنگ زودتر خاتمه داد. سال گذشته اوباما به درخواست ژنرال پتراوس ۳۳ هزار نیروی جدید به افغانستان فرستاد. تصمیم وی بر اینست که تا تابستان آینده این ۳۳ هزار خارج شوند که ۱۰ هزار نفر امسال به وطن باز خواهند گشت. در پاییز ۲۰۱۲ هنوز ۶۸ هزار نیروی آمریکایی در افغانستان باقی خواهد بود.

ده سال از جنگ افغانستان می گذرد. پس از ده سال درگیری، مخارج سنگین مالی و جانی بالاخره پرزیدنت اوباما اعلام کرد که آمریکا بتدریج از افغانستان خارج خواهد شد. شاید تب جنگ طلبی در آمریکا کاهش یافته است. ۵۶ درصد از مردم آمریکا می خواهند همه نیروی نظامی سرعت از افغانستان خارج شوند. فشارهای اقتصادی، بیکاری و خطر ورشکستگی دولت آمریکا مهمترین عامل برای خروج تدریجی از افغانستان است. ولی این عمل خالی از چالش برای اوباما نیست. عکس العمل ها از جانب

تأمین می‌کند.

پرزیدنت بوش در سال ۲۰۰۶ در گزارش سالیانه خود به کنگره گفت: «نسل ما درگیر یک جنگ طولانی علیه یک دشمن مصمم است.» اصطلاح «جنگ طولانی» بتدریج بیشتر و بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. در سال ۲۰۰۹، «تاماس ریکز» کتابی تحت همین عنوان در مورد جنگ عراق نوشت. اگر چه در آخرین گزارش‌های وزارت دفاع آمریکا اصطلاح جنگ طولانی دیده نمی‌شود ولی واقعیت اینست که آمریکا جنگ‌های طولانی را ادامه می‌دهد و هیچ پایانی نیز دیده نمی‌شود.

زمان آن رسیده است که سیاست جنگ‌های طولانی مورد سؤال قرار گیرد. مردم آمریکا باید بتوانند در مورد سیاستی که آینده آن‌ها و فرزندان‌شان را تعیین می‌کند صدایی و نظری داشته باشند.

یک سؤال مهم اینست که در جنگ طولانی

سینمایی است. جنگی علیه خرابکاران که بین ۵۰ تا ۸۰ سال بطول می‌انجامد. این جنگ ۲۰ ریاست جمهوری را در بر می‌گیرد و نیاز به رأی کنگره و تأیید مردم آمریکا نیز ندارد. ولی جنگ طولانی یک فیلم سینمایی نیست بلکه بخشی از سیاست خارجی و یک برنامه ویژه پنتاگون و سازمان جاسوسی سیا است. گروهی که این «نظریه» را انتخاب کرده‌اند، معتقدند یک دوران بی‌ثبات در پیش است که از اروپا تا آسیای جنوبی، عراق، افغانستان، پاکستان، خاور میانه و بسیاری نقاط دیگر را در بر می‌گیرد. مخارج چنین جنگی غیر قابل تصور و بهای جانی آن نامعلوم است.

«تام هیدن» مفسر سیاسی و از مبارزان به نام ضد جنگ در این زمینه می‌نویسد: «نخستین بار اصطلاح «جنگ طولانی» پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ توسط ژنرال «ابی زید» رئیس قوا در آن زمان و سپس توسط ژنرال «مایری» در ۲۰۰۵ بکار رفت. بر

زده می‌شود، دولت و ارتش پاکستان افکار عمومی را علیه آمریکا تحریک می‌کند. از نظر مردم پاکستان آمریکا مسئول مشکلات این کشور است.

واقعیت دیگر اینست که اختلافات قبیله‌ای در افغانستان برای قرن‌ها وجود داشته و علیرغم وجود هر نیروی نظامی خارجی ادامه خواهد داشت. طالبان افغانی بخشی از جمعیت این کشور هستند و در هر حکومت آینده‌ای سهم مهمی خواهند داشت. علیرغم میلیاردها دلار که آمریکا در افغانستان خرج کرده است، روابط حکومت کرزای با آمریکا تیره و سردتر شده است. اخیراً در یک مصاحبه تلویزیونی، کرزای نقش آمریکا را در افغانستان، «اشغال نظامی» نامید و از خروج آمریکایی‌ها استقبال کرد. در حالیکه بسیاری از مفسرین سیاسی بر این عقیده‌اند که با خروج کامل آمریکایی‌ها حکومت کرزای بلافاصله سقوط خواهد کرد. کرزای محبوبیت چندانی بین مردم افغان ندارد. مدارک و شواهد زیادی در مورد رشوه خواری و فساد دستگاه حکومتی کرزای وجود دارد، که به مخالفت و عدم اعتماد مردم افغانستان نسبت به حکومت فعلی می‌افزاید.

این نیز واقعیتی است که مردم افغانستان وجود نیروهای آمریکا را تأیید نکرده و آن را اشغال نظامی کشورشان می‌دانند. در این ۱۰ سال گذشته هزاران افغانی توسط حملات هوایی آمریکایی‌ها و یا در ضمن درگیری‌ها با نیروهای مخالف و تروریستی کشته شده‌اند. بعلاوه خاطراتی که افغانی‌ها از اشغال نظامی یک ارتش خارجی دارند دردناک و مصیبت بار بوده است. آخرین آنها روس‌ها بودند که مرتکب جنایات بسیاری علیه مردم بیگناه افغانستان شدند.

### جنگ طولانی

بنظر می‌آید «جنگ طولانی» عنوان یک فیلم

در زندگی هر شخص قطره ای باران حقوقی هم می بارد.

## LAW OFFICES OF MARSHALL TAHERI

CIVIL AND COMMERCIAL LITIGATION  
FEDERAL CRIMINAL DEFENSE  
FEDERAL TAX LITIGATION  
INTERNATIONAL BUSINESS LITIGATION  
PERSONAL INJURY

Houston	713.871.0000
Dallas	214.871.0000
Los Angeles	310.557.0000
New York	212.247.0000
Washington, D.C.	202.333.0000

www.marshalltaheri.com

35 years experience and a Professor of Law

Consultation by appointment only

در زندگی هر شخص قطره ای باران حقوقی هم می بارد.

در زندگی هر شخص قطره ای باران حقوقی هم می بارد.

در زندگی هر شخص قطره ای باران حقوقی هم می بارد.

اساس گزارش یکی از مشاوران عالی‌رتبه ژنرال پترآوس و از طرفداران «جنگ طولانی»، این نظریه با کمک گروهی که در اتاق‌های کوچک و بدون پنجره در پنتاگون نشسته‌اند صیقل داده شد. این گروه می‌خواستند ایده «جنگ طولانی» را در طرح کلی سیاست دفاعی آمریکا وارد کنند. این گروه وابستگی‌های ویژه‌ای به قدرت‌هایی داشتند که یک جنگ طولانی منافع آنها را

دشمن کیست؟ باور عمومی بر اینست که القاعده و یا اسلام افراطی دشمن بزرگ است، مانند سال‌های درازی که «کمونیسم» و «توطئه‌های بین‌المللی کمونیستی» دشمن بزرگ بود. چگونه می‌توان در جنگ طولانی به دنبال دشمن ناشناخته در هر گوشه‌ای از دنیا، از اروپا گرفته تا آسیای جنوبی و آفریقا رفت. تعیین دشمن مشکل است زیرا هر گروه مسلحی که در گوشه‌ای از دنیا دور هم جمع شوند می‌توانند دشمنی بالقوه باشند. ارتش آمریکا چگونه می‌تواند به هر لانه‌ای که خرابکاران در اقصی نقاط دنیا درست می‌کند حمله کند. قدرت نظامی آمریکا مگر چه اندازه است که بخواهد همه جا را اشغال کند.

سؤال مهم دیگر اینست که مخارج هنگفت جنگ طولانی را چه کسی باید بپردازد؟ خزانه آمریکا خالی است. سرمایه مردم آمریکا، جان آنها و پرستیژ این کشور در خطر است. اگر چه پرزیدنت اوباما غیر مستقیم مخالفت خود را با یک جنگ طولانی اعلام کرده و گفته است تمام نیروهای آمریکا را تا ۲۰۱۲ از عراق خارج کند ولی برخی معتقدند مانند کره جنوبی، اشغال نظامی آمریکا در عراق ادامه خواهد یافت. اوباما اخیراً اعلام کرد که از تابستان امسال نیروی نظامی بتدریج از افغانستان خارج خواهند شد. ولی برای نئوکنسرواتورها و کسانی که منافع آنها در ادامه جنگ است، این انتظاری ساده لوحانه است. پیش‌بینی می‌شود این گروه و کسانی که در پنتاگون به دنبال «جنگ طولانی» هستند اوباما را مجبور خواهند کرد در عراق یک پایگاه نظامی به وجود آورد، خروج از افغانستان را به تأخیر انداخته و عملیات سری در پاکستان را ادامه دهند. اوباما را برای هر حمله و یا اتفاقی در آمریکا و یا هر جای دیگر سرزنش خواهند کرد. سیاست نیمه جنگ طلبانه اوباما برای کسانی که خواهان

جنگ طولانی هستند، هیچ گاه کافی نخواهد بود.

زمان بحث و گفتمان حلاست. متأسفانه در فضای کنونی جامعه آمریکا، جنگ طلبان چه داخلی چه خارجی دست بالا دارند. چه کسانی که به دنبال جنگ بین دو حزب، جنگ بین مردم و سرمایه و سرمایه‌دار و هر نوع کنترلی علیه آنها هستند. همچنین کسانی که بقای قدرت آمریکا را تنها در ادامه «جنگ طولانی» می‌بینند، قدرت‌های واقعی هستند. در فضای کنونی حتا یک رئیس‌جمهور با خرد و با بینش مجبور خواهد شد سیاست‌هایی اتخاذ کند که در نهایت مخالف ایده آل‌های او و همه کسانی است که صلح و همزیستی را به جنگ طلبی ترجیح می‌دهند.

### بهای اقتصادی جنگ

مبالغی که برای جنگ‌های آمریکا خرج می‌شود برای مردم عادی غیرقابل فهم و غیرقابل باور است. بویژه که ارقام امروزه به سرحد میلیارد و تریلیون رسیده است که بیش از پیش آن را دور از ذهن می‌نماید. ارقامی مانند ۲۰۰ میلیارد دلار مخارج سالیانه جنگ و یا ۱۶ میلیارد دلار برای بازسازی افغانستان دور از فهم است. وقتی به افغانستان نگاه می‌کنیم هیچ بازسازی در زیربنای این کشور نمی‌بینیم. جاده‌ها، پل‌ها، خانه‌ها و وسائل نقلیه به همان شکل کهنه و عقب مانده وجود دارد. اگر پرسشی در این زمینه شود پاسخ اینست که پول‌ها برای بازسازی، تعلیم و تجهیز نیروی پلیس و امنیتی افغانستان بوده است. پرزیدنت اوباما در سخنرانی اخیرش گفت: «در طول یک دهه گذشته ما یک تریلیون دلار برای جنگ خرج کرده‌ایم. زمان آن رسیده است که «ملت سازی» را در داخل آمریکا انجام دهیم.» در داخل آمریکا بدون شک نیاز شدیدی به

این بازسازی وجود دارد. زیر بنای این جامعه غالباً همانی است که در سال‌های ۵۰ ساخته شده. نه تنها جاده‌ها، اتوبان‌ها، پل‌ها، سدها و خیابان‌های معمولی نیاز به بازسازی دارند بلکه مدارس و بیمارستان‌های عمومی در حال خرابی و از بین رفتن می‌باشند.

بازسازی صنایع آمریکا از مهمترین قدم‌هایی است که می‌تواند به رشد اقتصادی کمک بزرگی کند. این‌ها نیاز به سرمایه‌گذاری دارند. کمپانی‌ها و شرکت‌های بزرگ حاضر نیستند این سرمایه‌گذاری را انجام دهند. در حالیکه بر اساس آخرین آمارها، کمپانی‌های بزرگ و جهانی آمریکایی در حال حاضر حداقل ۲ تریلیون دلار پول نقد در اختیار دارند ولی نمی‌خواهند برای آمریکایی‌های بیکار کار ایجاد کنند.

در یکی از آخرین آمارها می‌بینیم که با بیش از ۹ درصد بیکاری در آمریکا این کمپانی‌های بزرگ و ثروتمند برای ۵۰۰ میلیون غیر آمریکایی در کشورهای مختلف دنیا از جمله چین و هند کار ایجاد کرده‌اند. البته مهمترین دلیل آن دست یافتن به بازار کار ارزان و محیط کار بدون مقررات کاری است.

در ضمن جمهوربوخواهان موفق شدند بیشتر مردم را قانع کنند که کم کردن و از بین بردن مالیات ثروتمندان و کمپانی‌های بزرگ موجب رشد اقتصادی خواهد شد. با وجودی که اختلافات طبقاتی روز به روز بیشتر شده و مردم طبقه متوسط و فقیر تحت فشارهای اقتصادی شدیدی هستند، هنوز بیشتر مردم سکوت کرده‌اند و صدای اعتراض علیه این بی‌عدالتی کمتر شنیده می‌شود.

در چنین شرایطی، بیکاری، بحران اقتصادی، مخارج هنگفت جنگی و ورشکستگی دولت آمریکا همه از مشکلات و چالش‌های پرزیدنت اوباما است.